در گفت‌وگو با دکتر حسین واله، آینده‌های محتمل این مرز و بوم بررسی شد

ایران در آستانه توافق اجتماعی جدید

گفت‌وگو
مرتضی گل‌پور
معاون سردبیر

«سنت بـ‌وه» منتقد ادبی فرانسوی گفت: «ما جز در «آستانه» نمی‌توانیم ایستاد. آنجا ایستادن خود کاری سترگ است، در ۴ دهه گذشته اندیشمندان گفتند ایران جامعه‌ای درحال گذار است، بی‌آنکه توضیح دهند وضعیتی که قرار است از آن گذر و وضعیتی که قرار است به آن رسیده شود. چیست. وقایع ۱۴ سال قبل، از ۱۳۹۶ تا جنگ ۲۰ روزه نشان داد آن گذار اتفاق نیفتاد و آن نظر پابه‌ای در واقعیت ایران نداشت. زیرا به رغم همه کشاکش‌ها، آرایش نیروهای اجتماعی ایران، از وضعیتی به وضعیت دیگر «گذار» نکرد. وضعیت امروز نیروهای ایران نشان داد چیزی که قرار بود «گذار» باشد، به واقع «تداوم و پایداری» است. دکتر حسین واله، به جای آن «گذار»، صورت‌بندی دیگری ارائه می‌دهد. صورت‌بندی دکتر واله، ناظر بر تغییر آرایش نیروهای اجتماعی نیست، ناظر بر آغاز تنازعی برای این نیروهاست: «آغازی» که از ابتدای برخورد ایران با تجدد مغفول واقع شد: «فرایند فهم منقابل نیروهای درونی» پس از بی نتیجه بودن دو سده کشاکش، نیروهای اجتماعی ایران امروز درحال تجربه امر جدیدی هستند به نام «فهم متقابل یکدیگر.» مطابق این صورت‌بندی، اگر قرار است در ایران «گذار» اتفاق بیفتد، این گذار، نه بدنت سر گذاشتن یک وضعیت یا به حاشیه راندن یک نیروی اجتماعی، بلکه گذار از «فقدان درک و شناخت نیروها از یکدیگر» به «درک و شناخت نیروها از یکدیگر» است و از قضا همین فرآیند، «گذار واقعی» را ممکن می‌کند: گذار واقعی به منابه عزیمت از تقابل های نیروها و حرکت به سمت هم‌بندی و همکاری هم‌افزا نیست و بنابراین، به جای آن «گذار» سنت به مدرنیسم، امروز فهم متقابل نیروهای اجتماعی، «آستانه»ای است که ظرفیت آن را دارد تا راه را برای فراریسدن ایران جدید هموار کند: یعنی ایران فهم متقابل و همکاری متقابل، به جای همین فرآیند، «گذار واقعی» را ممکن می‌کند: گذار به جز تقابل نیافزود، می توان در «آستانه» این «گذار» به فهم متقابل، آستانه امروز مردم ما می تواند کمک به تقویت وضعیت «آستانه فهم متقابل» مقابل باشد تا ایران جدید مبتنی بر همکاری متقابل زاده شود. زیرا همان طور که آرش رئیسی نژاد در کتاب «معمای قدرت در خاورمیانه» گفت: در سرزمین کهنی ایران طرد متقابل، پس به جای تکیه بر آن، «گذار» که